



نحوه انتخاب پوشش، برگزیدن یا عدم

اقبال به حجاب و پیش‌تر از آن نوع نگرش به مسأله پوشش و همینطور مطالبه آزادی‌های جنسی که هیچگاه عمومی نیافته است،

اجباری بودن یا قانونی بودن حجاب و در نهایت تبدیل شدن آن به یک مسأله اجتماعی با همه مشخصه‌های یک مسأله اجتماعی اعم از دامنه‌دار شدن، عمومیت یافتن و البته قابل

حل بودن، این روزها محور مباحثی است که شبکه‌های اجتماعی با واکنش و بازخورد همراه می‌شود، اظهارنظرهای «چاره‌ساز» کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. دکتر «حسن بنیانیان» مسؤول کمیسیون فرهنگی شورایعالی انقلاب فرهنگی که با رویکردی به مهندسی فرهنگی، کتابی با عنوان «پوشش اسلامی، چالش‌ها و راهکارها» را به نگارش درآورده است، تأکید دارد نسخه‌های مُسکن درباره حجاب، مدیران فرهنگی را از کار عمیق و علمی در این حوزه دور کرده است. این کارشناس فرهنگی معتقد است در هر معضل فرهنگی که می‌شود آن را به یک بیماری در بدن تشبیه کرد، دکتر حاذق داروی اصلی و ریشه‌ای می‌نویسد و در کنار آن یک یا چند مُسکن تجویز می‌کند که بیمار درد را فعلا تحمل کند. دولت، نیروی انتظامی، قانون، مشوق‌های اقتصادی، ترس و نگرانی برای حفظ پوشش که حکم مسکن را دارد

موجب شده است از کار فرهنگی عمیق و علمی دور شویم. تکرار عبارت «کار فرهنگی» دردی را درمان نمی‌کند، بلکه باید از قالب یک عبارت یا گزاره منطقی ذهنی، به عینیت برسد. اما این‌چگونه ممکن است؟ کار فرهنگی عمیق درباره حجاب زمانی به نتیجه مطلوب، خواهد رسید که در

تک‌تک افراد باور و اعتقاد به پوشش اسلامی تبدیل به یک ارزش ذهنی شود و انقدر این کار را خوب بدانند که در الگوهای رفتاری‌شان تبدیل به عادت شود. برای اینکه این موضوع اتفاق بیفتد، هم برای فضای ذهنی و هم برای عینیت تبدیل شدنش باید برنامه‌ریزی کرد. پوشش، عفت و پاکدامنی باید در درون مرد و زن تبدیل به ارزش شود. درونی شدن معنایش این است. او در کتاب خود می‌نویسد: «از آن جهت که موضوع پوشش مسأله‌ای اجتماعی است و تغییرات آن در نحوه ارتباط و تعامل زن و مرد شکل می‌گیرد، قرآن کریم هردو- مرد و زن- را مخاطب قرار داده و قیل از آنکه تأکید کند زنان پوششی خاص داشته باشند، به مردان خطاب کرده و فرموده است: «به مردان مومن بگو دیدگاه فروخواباند و دامن‌ها را حفظ کنند، این برای شما پاکیزه‌تر است، خدا به آنچه می‌کنید آگاه است». بدیهی است اگر این تلقی را فرهیختگان دین‌شناس تأیید و تأکید کنند، کنترل نیروی انتظامی، حراست سازمان‌ها و تذکرات مدیران تنها بخش ظاهری موضوع بدحجابی را آن هم تا اندازه‌ای می‌تواند حل کند؛ اگرچه موضوع بدحجابی آنقدر مخرب و آفت‌زاست که همین میزان را هم نباید نادیده گرفت. موضوع بدحجابی همواره باید در یک قالب کلی و به هم پیوسته حجاب ظاهر و باطن و تنظیم روابط صحیح زن و مرد بحث، بررسی و راه‌حل‌یابی شود تا زمینه‌ساز



روز آسیب‌ها و بیماری‌های دیگر نشود».

دکتر بنیانیان در بحثی که پیرامون پیوستگی حجاب ظاهر و باطن وجود دارد به رعایت برخی ظرافت‌ها توصیه می‌کند. **الف** – در بررسی جایگاه و پوشش اسلامی، حجاب ظاهر و باطن در کنار هم دیده شوند. **ب** – در انتخاب راه‌حل‌ها، درمان همزمان بدحجابی ظاهر و باطن مدنظر قرار گیرد. **ج** – مسؤولیت تک‌تک افراد اعم از زن و مرد، شبکه‌های اجتماعی با واکنش و بازخورد همراه می‌شود. **د** – بررسی جایگاه و پوشش اسلامی، حجاب ظاهر و باطن در کنار هم دیده شوند. **ب** – در انتخاب راه‌حل‌ها، درمان همزمان بدحجابی ظاهر و باطن مدنظر قرار گیرد.

ج – مسؤولیت تک‌تک افراد اعم از زن و مرد، شبکه‌های اجتماعی با واکنش و بازخورد همراه می‌شود. **د** – بررسی جایگاه و پوشش اسلامی، حجاب ظاهر و باطن در کنار هم دیده شوند. **ب** – در انتخاب راه‌حل‌ها، درمان همزمان بدحجابی ظاهر و باطن مدنظر قرار گیرد.

ج – مسؤولیت تک‌تک افراد اعم از زن و مرد، شبکه‌های اجتماعی با واکنش و بازخورد همراه می‌شود. **د** – بررسی جایگاه و پوشش اسلامی، حجاب ظاهر و باطن در کنار هم دیده شوند. **ب** – در انتخاب راه‌حل‌ها، درمان همزمان بدحجابی ظاهر و باطن مدنظر قرار گیرد.

وی که سال‌هاست در حوزه مهندسی

فرهنگی کار می‌کند، از ضرورت‌های پرداختن به مسأله حجاب می‌گوید: «طرح مباحث حجاب ضرورت‌هایی دارد که باید آنها را پذیرفت و ترس از متهم شدن نداشت؛ وقتی به لحاظ اشتغال، تحصیل و… فضا بازتر می‌شود، حجاب و حفظ آن به صورت تصاعدی پیچیده می‌شود و

کاستی‌هایی که ما در حوزه مدیریت فرهنگی داریم، خودنمایی می‌کند. در «کار فرهنگی» که گفتیم، باید فلسفه حجاب را بدانیم و بعد در فضای عینی به عمل و برنامه‌ریزی بپردازیم. خلاصه فلسفه حجاب این است که روایط جنسی از درون خانه به بیرون خانه منتقل نشود. نقطه شروع درونی کردن فلسفه حجاب باور به دین، هدفمندی زندگی، باور به قیامت و پذیرش ارزش‌های انسانی در درون آدم‌هاست. آن وقت یکی از آثار تربیت دینی صحیح می‌شود پوشش درست. هیچ میان‌بری وجود ندارد. «تربیت دینی» مسأله‌ای است که امروز در بسیاری از دستگاه‌های فرهنگی و اجرایی رها شده است. گروه‌های مردمی و خودجوش کارهایی می‌کنند و تلاش می‌هم می‌کنند اما در برابر حجم بی‌توجهی‌های داخلی و گسترش بی‌تقوایی‌ها و همچنین تهاجم فرهنگی و آثار مخرب توسعه تعامل با سایر فرهنگ‌ها دینی می‌شود، ناچیز است و در این عدم توازن نیروی مخرب و مقاومت داخلی است که ما مرتباً عقب‌نشینی می‌کنیم. ضمن اینکه حجم تهاجم فرهنگی برنامه‌ریزی شده روی گسترش لابی‌الی‌گری جنسی و بی‌عفتی بسیار بیشتر از کارهای خودجوش فرهنگی است».

دکتر بنیانیان در کتابی که در همین رابطه و با رویکرد مهندسی فرهنگی به چاپ رسانده، درباره فعالیت فرهنگی می‌نویسد: «فعالیت

فرهنگی

رویکرد مهندسی فرهنگی دکتر حسن بنیانیان در پدیدارشناسی مسأله «بدحجابی» و «پوشش»

مسأله حجاب میان بر ندارد

و فرهنگ عمومی جامعه تأثیر می‌گذارد؛

همان‌طور که کارکنان قوه‌قضائیه، نیروی انتظامی و وزارت صنعت تأثیر می‌گذارند. جالب است بدانید مقام معظم رهبری سال ۸۱ به اعضای شورایعالی انقلاب فرهنگی می‌فرماید «فرهنگی که باید صنعت ما، خدمات ما، کشاورزی ما، دستگاه‌های امنیتی و… ما را هدایت کند و جهت را مشخص کند چیست؟»

تا از این طریق توجه همگان را به تأثیرگذاری فرهنگی خویش جلب کنند بنابراین منتظا همه مسؤول فرهنگ هستند. این نگاه راهبرد کلان نقشه مهندسی فرهنگی است؛ اصلاح و اقتصادی و برای رایج شدن این گفتمان و حاکم شدن آن باید دولت‌مردان نگاه غلط را اصلاح کنند. این نگاه غلط که ما مسؤول فرهنگ نیستیم، روحانیت مسؤول فرهنگ است، ما مسؤول فرهنگ نیستیم، ارشاد اسلامی مسؤول فرهنگ است و تعبیری از این دست باید از بین برود. اگر این تفکر غلط از ذهن‌ها رفت و به جای آن همه مدیران در رابطه با فرهنگ احساس مسؤولیت کردند، با چنین تحولی دیگر استانداران احساس مسؤولیت می‌کنند و با کمک ۱۴۰ مدیری که در شورای

اداری هر استان هستند فضای فرهنگی ر استان را مدیریت خواهند کرد. معنای این نظر این نیست که از فردا در همه ادارات شعار دینی برپا کنند، بلکه منظور این است که هر مدیرکلی در کنار خود یک اتاق فکر درست کند و با کمک آنها بررسی کند سازمان تحت مدیریت من چگونه بر اعتقادات، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری کارکنان، مراجعه‌کنندگان و فرهنگ جامعه تأثیر می‌گذارد و چگونه می‌توان آن را اصلاح کرد. البته به منظور هدایت هماهنگ این حرکت باید مهندسی فرهنگی نظام‌های اجرایی بیفتند؛ مهندسی به همان تعریف معمول یعنی بازطراحی و تغییر در اجزای سیستم. مثلاً در اقتصاد، نظام‌های بومی‌شده برای جامعه اسلامی طوری طراحی شود و شکل بگیرد که همینطور که مالیات بیشتری دریافت می‌شود، رضایتمندی نیز ایجاد شود. اگر این اندیشه در کشور جاری شد موجب می‌شود در کنار فعالیت‌های فرهنگی مستقیم، نظام‌های اداری و اجرایی نیز از ارزش‌های دینی حمایت کنند و در این حالت حجاب و عفاف به‌طور پیوسته بهبود می‌یابد».

دکتر بنیانیان در پاسخ به این سوال «وطن امروز» که «پس چگونه است بر فرهنگ ما که اروپا که همه چیز علیه عفاف و حجاب است، باز هم شاهد حضور زنان محجبه هستیم؟» اظهار کرد: «این بحث برای جامعه ماست که می‌خواهیم جامعه اسلامی داشته باشیم و تمدن اسلامی را مجدداً احیا کنیم

اگرنه در همه جوامع تعداد اقلیتی وجود دارند که آنها به‌واسطه تربیت درست و خودباوری، کمتر تحت تأثیر محیط هستند و به این درجه از بلوغ رسیده‌اند که این رفتار من است که دیگران را باید هدایت کند. علی‌ال‌حال بحث این بود که در مدت زمان ریشه‌ای عفاف و حجاب در گرو رشد عمیق دین‌باوری در همه اقشار بویژه نسل تحصیلکرده جامعه است. آن هم با درک تمام‌عیار از دین که همه را به این نتیجه برساند که حفظ کرامت، انسانیت و رشد همه شئون اقتصادی و سیاسی و اجتماعی فقط با عمل به دستورات دین، شدنی است. بنابراین

دکتر ناقص از دین، درک ناقص از فرهنگ، کمکی به حل مشکلات نمی‌کند. نماز خواندن باید منجر به راستگویی شود. نمونه کامل درونی شدن یک باور دینی و تبدیل شدن آن به ارزش و در نهایت یک الگوی رفتاری صحیح، مسأله حفظ حجاب در اروپاست که اتفاقاً بسیار هم سخت و در برخی کشورها با انواعی از مجازات همراه است. به خاطر تحولی درونی که در فرد شکل گرفته مجازات‌ها برایش به لذت تبدیل شده و به همین دلیل حفظ حجاب برای او شیرین و دوست‌داشتنی است. درست‌مثل فضای جبهه و جنگ و شبیه همان رفتاری که حضرت زینب(س) در مواجهه با یزید داشت که همه اتفاقات و کنار انجام وظایف بهداشتی و درمانی، به‌صورت اجتناب‌ناپذیری در تغییر باورها، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری کارکنان، مراجعه‌کنندگان

کردن ارزش‌ها گرفته است. در داخل کشور اما حجاب برای خیلی‌ها تبدیل به عادت شده است و حتی برخی محجبه‌ها فلسفه حجاب را نمی‌دانند. همان‌طور که در بالا نکاتی گفته شد، تا مسائل مهم‌تر از پوشش که حجاب در ذیل آنها تعریف می‌شود حل نشود، به این آسانی‌ها نمی‌توان «بدحجابی» و «بدپوششی» و… را حل کرد».

■ **حرف‌های ساده‌لوحانه برخی درباره حجاب برای تضعیف امر به معروف است**

دکتر بنیانیان با انتقاد از برخی حرف‌های غیرعلمی می‌گوید: «خداوند زن و مرد را با نیروی جنسی قدرتمندی آفریده است تا خانواده‌ای سالم تشکیل دهند. حالا اگر این نیروی جنسی به جای تشکیل خانواده یا از خانواده به جامعه منتقل شود، زیربنای جامعه را به می‌ریزد چون در جایی غیر از کارکرد اصلی‌اش مورد استفاده قرار می‌گیرد.

برخی تحلیل خطی ناقص دارند، در صورتی که مسأله حجاب برای حفظ جامعه و خانواده در شرایط امروز بسیار حیاتی است. این جملات که «چرا به ۴ تا مو گیر می‌دهید؟ یا چرا به دو تا تار مو حساس هستید؟» از بدیهی‌موضوع است که توسط برخی مطرح می‌شود. تئوری‌های من‌درآوردی درباره حجاب، ما را به بیراهه می‌برد. مسأله فقط ۴ تار مو نیست، مسأله «قدرت جنسی» است که توسط همین نمادها بروز و ظهور می‌کند و به جامعه منتقل می‌شود اگرنه پیرزن‌ها بدون حجاب بیایند در جامعه و به جای دو تار مو چندتا تار مو هم بیرون باشد اما در جوانی وقتی قدرت جنسی مطرح است نمی‌شود ساده‌انگاری کرد. انرژی جنسی با حکمت در انسان‌ها قرار داده شده است. معدود روحانیونی هستند که درک علمی ندارند، مسکن است صادقانه یا از کم‌فهمی مباحثی مثل آزادی حجاب یا اهمیت نداشتن حجاب را مطرح می‌کنند و می‌گویند مسائل دیگر مهم‌تر است اما با این جملات نمی‌شود مسأله بی‌توجهی به حجاب را حل کرد. برای اصلاح وضعیت حجاب از خود حجاب نمی‌شود نباید شروع کرد، همه این نکاتی که درباره رفتارهای کلان و مهمندسی فرهنگی گفته شد باید اصلاح شود. بعضی وقت‌ها برخی که نسبت به حجاب بی‌توجهند، به ارزش‌های دینی دیگر مثل نماز و روزه گرایش دارند یا در کارهای عام‌المنفعه شرکت

می‌کنند و… اینها نشان می‌دهد ذخیره‌ای از ایمان در این افراد هست، نباید سوءاستفاده کرد و از این حرف‌ها زد که می‌شود دین داشت و حجاب نداشت. این سوءاستفاده که توسط برخی مطرح می‌شود، حرف‌های ساده‌لوحانه برخی برای تضعیف امر به

معروف و نهی از منکر است.»
■ **بدحجاب‌ها زن‌های شوهردار را زجر می‌دهند**
با رویکرد مهندسی فرهنگی به مسائلی از این دست توجه نشده است. چرا حرف‌های غیرعلمی «فروید» توسعه پیدا کرده است، چون حرف‌های از این دست را مرد‌ها خوش‌شان می‌آید و با سرعت گسترش می‌یابد. این بهانه‌ای می‌شود تا مرد‌ها با حداقل هزینه به نیازهای جنسی خود پاسخ دهند. منطق حجاب این است که نباید برای خودنمایی زندگی دیگران را متلاطم کرد. زن اگر احساس کند شوهرش صد درصد مسال او نیست و در جامعه زن‌هایی هستند که حتی یک درصد شوهر او را تسخیر می‌کنند، آرامش زن به هم می‌ریزد. در واقع بدحجاب‌ها زن‌های شوهردار را زجر می‌دهند. برای همین حجاب یک معجزه الهی است، برای آرامش زن و مرد و ثبات خانواده. شبکه روابط جنسی اگر از درون خانواده به بیرون کشیده شد، به نسل بعدی آسیب می‌زند. اگر نیازهای زن و مرد بیرون خانواده طراحی و پاسخ داده شود، آرامش از زن و مرد گرفته می‌شود و خانه تبدیل به مسافرخانه می‌شود. نسل بعدی چون محبت ندیده است بشدت به بز‌هکاری روی می‌آورد. مرد اگر بیرون خانه از بلای بدحجاب‌ها در امان باشد و چشمش کمتر آسیب‌دیده باشد، عصر با ذوق و شوق به خانه می‌رود.



کشف حجاب در ایران پدیده‌ای ناشی از

آشنایی با غرب و تجددخواهی افرادی است که افکار و زندگی غربی را تجربه کرده بودند. در حالی که نخستین نشانه‌های کشف حجاب را می‌توان در دربار ناصرالدین‌شاه قاجار و سپس در محافل روشنفکری مشاهده کرد، رسمیت یافتن آن به دوره دیکتاتوری رضا شاه پهلوی بازمی‌گردد. مسافرت رضا شاه به ترکیه جدا از آنکه فصل جدیدی در مناسبات ۲ کشور گشود، تغییرات عمیقی نیز در روحیات و سیاست‌های

رضا شاه بویژه درباره زنان و حجاب آنان به وجود آورد. مستشارالدوله سفیر کبیر ایران در ترکیه، تأثیرپذیری رضاخان از بی‌حجابی زنان ترکیه را چنین توضیح می‌دهد: «پس از پایان ضیافت رسمی باشکوه وقتی رضاشاه به عمارت حزب خلق که محل اقامت او در آنکارا بود مراجعت کرد تا پاسی از شب نخوابید و در تالار بزرگ خته ملت قدم می‌زد و فکر می‌کرد و گاهگاه بلند می‌گفت: عجب! عجب! وقتی چشمان شاه متوجه من شد که در گوشه تالار ایستاده بودم، فرمود: صادق! من تصور نمی‌کردم ترکیه‌ها تا این اندازه ترقی کرده و در اخذ تمدن اروپا جلو رفته باشند. حالا می‌بینم که ما خیلی عقب هستیم مخصوصاً در قسمت تربیت دختران و بانوان… فوراً باید با تمام قوا به پیشرفت سریع مردم مخصوصاً زنان اقدام کنیم». رضاخان که شدیداً تحت تأثیر بی‌حجابی زنان ترکیه قرار گرفته بود، این

مسأله را یک سنال و اندی پس از سفر خود به ترکیه در آذر ۱۳۱۴ به محمود جم رئیس‌الوزرا چنین بازگو می‌کند: «تذکرید ۲ سال است که این موضوع-کشف حجاب- سخت فکر مرا به خود مشغول داشته است، خصوصاً از وقتی که به ترکیه رفتم و زن‌های آنها را دیدم که «پیچه» را دور انداخته و دوش به دوش می‌شود. مردهای‌شان در کارهای مملکت به آنها کمک می‌کنند، دیگر از هر چه زن چادری است بدم آمده است. اصلاً چادر و چاقچور، دشمن ترقی و پیشرفت مردم است. درست حکم یک دمل از پیچا کرده که باید با احتیاط به آن نیشتر زد و از بینش زد. از این رو بخشنامه کشف حجاب جهت تصویب رضا شاه در تاریخ ۲۷ آذر ۱۳۱۴ از طرف رئیس‌الوزرا به دربار فرستاده شد تا در اول دی سال دستورات‌العمل اجرائی غیررسمی قانون کشف حجاب به تمام ولایات ایران ارسال شود. رضا شاه روز هفدهم دی‌ماه ۱۳۱۴ برای اعطای گواهینامه فل‌التحصیلان به دانشسرای عالی رفته بود، در حالی که ملکه ایران و دختر بزرگش بدون حجاب بودند و لباس‌های اروپایی به تن کرده بودند، طی نطقی از کشف حجاب و پیشرفت زنان سخن گفت: «… شما زن‌ها باید این روز را از روز سعادت و موفقیت شمامت روز بزرگی بدانید و از فرصتی که بدست آورده‌اید از این خمنت به کشور خود از آن استفاده کنید… شما خواهران و دختران من حالا که داخل جامعه شده‌اید و برای پیشرفت خود و کشورتان این قدم را برداشته‌اید باید بفهمید که وظیفه

شما این است که برای کشور خودتان کار کنید، سعادت آینده در دست شماست». بدین سان از فردای آن روز، بر سر کردن چادر در خیابان‌های تهران ممنوع شد و دولت و سایر دستگاه‌های اجرایی در کشور موظف شدند برای پیشبرد این طرح در ولایات مختلف بکوشند. به همین منظور از اقدامات تبلیغاتی و انتظامی در حد وسیعی بهره‌گیری شد و حتی مسؤلان در بسیاری از موارد، کاربرد قوه قهریه را نیز در اولویت قرار دادند. از این پس برای آموزگاران و دختران دانش آموز داشتن حجاب ممنوع شد و افسران ارتش با زنانی که حجاب نداشتند راه نمی‌رفتند. در اتوبوس زنان با حجاب را راه نمی‌داندند و در معابر پاسپان‌ها از اهانت و تکتک زدن به زن‌هایی که چادر نداشتند با نهایت بی‌بروایی می‌رحمی فرو گذار نمی‌کردند. حتی بعضی مأموران بویژه در شهرها و دهات زن‌هایی را که پارچه روی سر انداخته بودند، اگر چه چادر معمولی نبود از سر آنها کشیده و پارچه‌ای می‌کردند و اگر زن فرار می‌کرد او را تا توی خانه‌اش تعقیب می‌کردند و به این هم اکتفا نکرده اتاق زن‌ها و صندوق لباس‌های جنسی اگر از درون گریزانه به بیرون قبیل می‌دیدند پارچه‌ای می‌کردند یا به غنیمت می‌بردند. تصویب و ابلاغ قانون کشف حجاب بیش از پیش جامعه روحانیت را با محدودیت مواجه کرده بود، اعتراضات علما و روحانیون و مخالفت‌های گسترده مردمی را نیز در سراسر کشور و در شهرهایی نظیر قم، اصفهان و شیراز در پی داشت که مهم‌ترین نمونه آن قیام بزرگ مسجد گوهرشاد مشهد بود. اگر چه با انتشار خبر قیام گوهرشاد در تیرماه ۱۳۱۴ در اعتراض به اجباری شدن پوشش و لباس غربی برای مردان، مقدمات اعتراض اجتماعی وسیعی فراهم شده بود اما فقدان رهبری منسجم و خشونت شدید حکومت از جمله عواملی به شمار می‌آید که نه تنها این اعتراضات را ناکام گذاشت، بلکه رضاخان را نیز مصمم به اجرای خشونتبار کشف حجاب برای زنان مسلمان ایرانی کرد.